

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Social

اجتماعی

خالق داد پغمانی - موشن

۱۱ سپتمبر ۲۰۱۵

## چلی ملا عمر و حقوق زن

۲

به ادامه گذشته:

**ب:** تضاد "هاشمیان" با پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان":

هرچند در ظاهر بین ایجاد پورتال "افغانستان آزاد-آزاد افغانستان" و "هاشمیان" رابطه ملموسی دیده و یا احساس نمی گردد، مگر در واقعیت امر، هر گاه نیک نظر انداخته شود، اینها نه تنها بدون ارتباط با هم نبوده و نیستند، بلکه از همان آغاز در تقابل باهمدیگر کارشان را پیش می بردند و آنهم بدین علل:

- می دانیم که "هاشمیان" برای سالیان متوالی نشریه ای را زیر نام "آئینه افغانستان" به نشر می سپرد که گذشته از فقدان محتوا، از لحاظ شکل هم بدرستی از طرف خودم به "چلیپسنامه" مسمی گردیده است. آن نشریه که در ذات خود دکان و کاسبی "هاشمیان" را می ساخت و مشترکین می بایست سالانه حد اقل ۱۰۰ دالر امریکائی حق الاشتراک پرداخت می نمودند تا سالانه در بهترین صورت ۲ الی ۴ شماره از آن را دریافت می داشتند، قادر شده بود در برخی موارد با هوجبگری و غوغاسالاری ذهن عده ای را که با نشرات حصار شده از طرف شورای نظار، در مخالفت قرار داشتند، به خود جلب نماید.

با ایجاد پورتال "افغانستان آزاد-آزاد افغانستان" و رجوع صاحبان قلم به طرف آن، نشر مطالب شان به صورت رایگان آنهم در بهترین کیفیت و ویراستاری که تا آنزمان و حتا تا اینک ماندی را دارا نیست، خود به خود مراجعه به "چلیپسنامه" کاهش یافته، صاحب آن یعنی "هاشمیان" به ناگزیر به بهانه کبر سن و مریضی حیات آن را خاتمه یافته اعلام نمود. درک این مطلب زمانی بدرستی قابل فهم می گردد، که ایجاد این یکی و ختم آن دیگری را در یک بستر زمانی مورد مطالعه قرار دهیم. در نتیجه به جرأت گفته می توانیم که بخشی از نفرت و انزجار "هاشمیان" علیه پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" بر می گردد به ظلمی که در حق "هاشمیان" و خدمتی که به "خوانندگان" از طرف پورتال صورت گرفته است. یعنی وقتی پورتال کاسبی و نان باد آورده "هاشمیان" را با به تعطیل کشانیدن "چلیپسنامه" از دستش می گیرد، نباید انتظار داشته باشد، که فردی به مانند "هاشمیان" که شخصیت، وجدان و حتا ناموسش را به خاطر پول فروخته است، دست زیر الاشه گذاشته، علیه آنها اقدامی رویدست نگیرد.

- دومین علت این مخالفت بر می گردد به محتوا و مضمون فعالیت پورتال "افغانستان آزاد-آزاد افغانستان" و تقابل آشکار آن محتوا و مضمون آنچه باداران "هاشمیان" به عنوان وظیفه از وی خواسته و شخص "هاشمیان" آن را نشخوار می نماید، مثلاً:

= با آن که "هاشمیان" در ظاهر امر از طریق "چلپسنامه" زیر تأثیر نوشته های چند تن از همکاران قلمی آن نشریه می نوشت: "کشور اشغال شده استقلال ندارد" اما در واقعیت امر نه تنها مروادات خود را با بخشهایی از حاکمیت اشغالی قطع نکرده و اینک آن را به صورت علنی تبلیغ می دارد، بلکه هیچ گاهی به ارتباط چگونگی نجات از اشغال، دفع تجاوز و حصول استقلال لب تر نکرده است.

عکس "هاشمیان" و "چلپسنامه"، پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان"، از همان نخستین روز های ایجاد نه تنها به تبلیغ واقعیت اشغال و پی آمد های خونبار و جنایتکارانه آن از طرف نیروهای اشغالگر پرداخت و هر نوع شناسایی و رابطه سیاسی آگاهانه با دولت دست نشانده را در حکم خیانت به میهن و خونهای ریخته شده در پای درخت تنومند آزادی و استقلال افغانستان اعلام داشت، بلکه راه چگونگی نجات کشور را از قید و رقیت استعمار امپریالیستی و استعمار مذهبی، در ایجاد سه سلاح خلق و جنگ توده ئی طولانی مشخص نمود.

= سطح درک پائین و خرنمایی "هاشمیان" در قبال انواع نشریه ها، که هر آنچه را در آن مسایل اعتقادی مطرح گردد، می توان "نشریه ایدئولوژیک" نامید، با درک و فهم برتر پورتال در قبال انواع نشرات که می توان به صورت عمده از "ارگان نشراتی"، "ارگان ایدئولوژیک"، "ارگان دموکراتیک"، "ارگان مرکزی" و... نام برد و تفکیک هریک از آنها عامل دیگری بود که مغز متحجر و سنگواره "هاشمیان" ظرفیت پذیرش و تعقل در باب آن را نداشت.

= در حالی که تحجر فکری و داشتن افکار طالبی در "هاشمیان" به قدری قوی است که به غیر از آن چه از جانب ارباب دریافت داشته و با آن دریافتی ها کاریکاتوری از افکار و عقاید اسلامی نزد خود ساخته است و هیچ چیزی را برتر از اسلام خودش که همان اسلام "ملا عمر" و یا بهتر است گفت اسلام "سی. ای. ای"، اسلام "ام. آی. ۶" و اسلام ساخت "موساد" و سایر نهاد های استخباراتی است، دیگر هر نوع تفکری را حتا در سطح تخیل بدان شرک و کفر می داند، پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" آزادی عقیده و آزادی وجدان و تبلیغ و تلاش جهت رسیدن به آن را بخش تجزیه ناپذیر مشی نشراتی و مبارزاتی خود اعلام داشته، شجاعانه و بی هراس، همزمان به نشر عقاید و افکار اسلامی و مخالف آن مبادرت ورزیده است.

فهم این قضیه حتا اگر از لحاظ ذهنی و معرفتی برای "هاشمیان" سخت نباشد و در باطن بر این عمل پورتال صحه بگذارد، از دو زاویه دیگر باعث می گردد تا وی علیه آن دست به مخالفت بزند. جبن و ترس از اخوان و احتمالاً مورد غضب نیروهای اخوانی به خصوص ولینعمت های وی "بی گناه کشان طالب" قرار گرفتن و از آن هم مهمتر اراده ارباب امپریالیستی است که از وی می خواهد نباید به مردم افغانستان اجازه داد تا در انتخاب عقاید شان، آگاهانه و آزاده خود تصمیم بگیرند، نباید به آنها حق داد تا شناختی از واقعیت اسلام و تفاوت آن با اسلام امریکائی و انگلیسی داشته باشند، نباید به آنها حق و امکان آن را مساعد نمود تا چیزی بیشتر از "زمین بر شاخ گاو است" را بخوانند، نباید به آنها حق داد تا به اصطلاحاتی مانند کار، سرمایه، استثمار، استعمار، کار مزدی، ارزش اضافی، سود، کار لازم، کار اضافی و رابطه دیالکتیکی بین آنها پی ببرند؛ این تفاوت که در واقع دو دیدگاه متفاوت و دو جهان مجزا از هم را نمایندگی می نمایند، مسلم است که نتیجه ای به غیر از نفرت متقابل بار نمی آورد.

= در مناسبات اجتماعی در حالی که "هاشمیان" از مواضع تفرقه افکنانه و ستمگرانه ای در عقب خواست استعمار پنهان و به دفاع برخاسته، قومی را بر اقوام دیگر و زبانی را بر زبانهای دیگر برتری و تفوق داده، حتا با پیشروی پیشنهاد تقابل مسلحانه علیه دیگران را می دهد، پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" با حرکت از پیوند خون خلقهای کشور و امتزاج آن خونها در ایجاد و حراست از هویت کشور تأکید می ورزد، تساوی کامل بین تمام اقوام و ملیت های کشور را اصلی تخطی ناپذیر اعلام داشته، هر نوع تلاشی را جهت دامن زدن به افتراقات قومی، زبانی، مذهبی، نژادی و... را بخشی از خواست جنایتکارانه استعمار اعلام می دارد.

= به ارتباط مسایل تاریخی ۴ دهه اخیر، در حالی که "هاشمیان" هویت خلقی خود و تعلقات پرچمی تمام خانواده اش را کتمان داشته، با کین و نفرت قیاس ناپذیری می خواهد با شعار دادن علیه "کمونیسم" هم خود را در ظاهر ضد خلق و پرچم نشان دهد و هم در باطن بخشی از درس هائی را که از مکتب "مک کارنیزم" فرا گرفته است، همه روزه نشخوار نماید، پورتال "افغانستان آزاد- آزاد افغانستان" آگاهانه، مصممانه و شجاعانه به دور از هر نوع عوام زدگی و سقوط در چنان باتلاق هائی، نه تنها جنایات خلق و پرچم را بدون ارتباط به کمونیسم اعلام داشته و خود آنها را دشمنان واقعی و درجه یک کمونیستهای راستین کشور از یاری ها گرفته تا مجید ها و از بهمن ها گرفته تا میرویس ها و ... معرفی نمود و می نماید، بلکه با شجاعت و شهامت شاذ و درخور تحسینی، از قلم برخی از همکارانش با صراحت اعلام داشته است که بشریت فقط دو دور نمای زندگانی در پیش رو دارد، بربریت و توحش و یا سوسیالیسم!

= در زمینه فرهنگی - ادبی در حالی که "هاشمیان" می خواهد، خیره سرانه بر همه بقبولاند که وی "تافته جدا بافته" ای است که در جهان ماندنی ندارد و مشتی انسان بیخرد، استفاده جو و کلاش سیاسی نیز این عقده چرکین "هاشمیان" را همیشه تازه و تازه تر نگه می دارند آنهم تا جایی که این احمق خود را در هیأت و جانشین تمام فیلسوفان جهان معرفی دارد، پورتال "افغانستان آزاد- آزاد افغانستان" با حرکت از این واقعیت که "همه چیز را همه کس می داند و همه کس نه تنها تا حال تولد نشده بلکه هیچ گاهی به صورت یک وجود واحد تولد نخواهد شد تا تمام معرفت را به یک باره در خود داشته باشد" و در اساس اصل آموزش و فراگیری را پروسه و روندی می داند لاینقطع که می باید ادامه یابد و به همین منظور کار پورتال را بارها یک پروسه معلق آموزش متقابل در یک مکتب واحد- پورتال- اعلام داشته است و وقتی متوجه می شود که آن انسان خرفت و عقب مانده، گردن فرازی را به جایی می رساند که می خواهد بر مفاخر فرهنگی کشور حمله نماید، بیشتر به منظور خودشناسی نه تأیید، در ۵ صفحه بیشتر از ۱۰۰ غلطی املائی وی را نشانی می نماید، تا باشد خود شکند نه آئینه، مگر انتظار همچو شرافت و وجدانی از شخصی مانند "هاشمیان"؟؟!

= به تاسی از امپریالیسم امریکا و متباقی اشغالگران که می خواستند و می خواهند تا مردم را از واقعیت رویداد های بین المللی دور داشته و آبشخور معلوماتی آنها را صرف در حد رسانه های رسمی وابسته به امپریالیسم و ارتجاع محدود بسازند، "هاشمیان" انتظار داشت تا پورتال "افغانستان آزاد- آزاد افغانستان" نیز در همان بستر گام گذاشته، از ترجمه و نشر رسانه های "الترناتیف" خود داری بوزد، امری که به یقین در بریدن اولش از پورتال بی دخل نبود؛ عکس "هاشمیان"، پورتال "افغانستان آزاد- آزاد افغانستان" عقیده راسخ دارد که جهت تکمیل فهم و برداشت از اوضاع جهانی و تجربه اندوزی از مبارزات سایر خلقها جهت استفاده درست و سالم از آنها، تمام افراد جامعه بشری در هر جایی که زندگانی می نمایند، مکلف اند تا انحصار تبلیغاتی- خبری را از چنگ و سیطره امپریالیسم و ارتجاع بیرون کشیده، با طرح واقعیت های جهانی، ضمن افشای چهره سیاه و پلید امپریالیسم و ارتجاع در سطح جهانی و منطقه، امکان همکاری ها بین مردمان آزاده جهان را مساعد بسازد.

**پ :** به ارتباط نفرت و انزجار "هاشمیان" از متصدیان پورتال که اینک عقده چرکین آن در قسمت استاد سخن آقای "معروفی"، خود را باز نموده و این هرزه و کم سواد هر آنچه در ذهنش آمده که در واقعیت امر خود و خانواده اش سزاوار آن اند بر وی افتراء بسته است، گذشته از "جرایم!!" مشترک "معروفی" با سایر متصدیان پورتال که در دو بخش دیگر این مطلب بدان اشاره رفت، از دید "هاشمیان" آقای "معروفی" به مانند آنها چند "جرم" دیگر نیز دارد، "جرایمی" که هیچ یک از آنها از دید "هاشمیان" قابل چشمپوشی نیست، "جرایمی" که معمولاً در جوامع استعمار زده و عوامل استعمار جرم محسوب می گردند، مانند: آزادگی و استقلال طلبی، صداقت و راستکاری، میهن دوستی و خدمت

به هم نوع و سرانجام و از همه بالاتر که از دید "هاشمیان" از گناه کیبیره گذشته خود را به شرک می‌رساند، فهم، آگهی، دانش و علم است.

به نظر من در چنین مواردی باید به "هاشمیان" هم حق داد، تا علیه "معروفی" به افتراء، دروغ و نشر اکاذیب دست بزند، آخر این انسان احمق، خود خواه، خود مرکز بین و فاشیست وقتی در اوج نادانی و حماقت می‌خواهد خود را بنمایاند، مگر به چشم نمی‌آید، چه راهی برایش باقی می‌ماند به جز همان افتراء، تهمت و بهتان. مگر نه این است برای آن که خر مهره ای بتواند تابش نور را انعکاس دهد، باید نخست تمام روشنایی های دیگر خاموش و نابود بگردند؟؟ حال وقتی خر مهره ای در هیکل و قامت "هاشمیان" می‌خواهد ادعای پرتو افگنی کند، برای دیدن نور کاذبش که در واقع بازتاب یک نور است نه منبع نور، او ناگزیر است با دستان کثیفش جلو تابش آفتاب "معروفی" ها را نخست سد شود، ورنه هیچ گاهی امکان بروز نخواهد یافت.

و اما سخنی هم به استقامت دو کاندید محترمی که "هاشمیان" قصد دارد از آنها به مثابه گدی کوکی در بازار مکاره اش استفاده نماید:

هموطنان عزیز!

هر چند با شما شناخت حضوری ندارم و با آثار تان نیز چندان آشنا نیستم، با مطالعه زندگینامه تان می‌توانم حدس بزنم که چه کسانی هستند و تعلقات سیاسی تان در طی حدود ۴ دهه اخیر سر به کدام ناکجا آبادی می‌رساند، مگر چون در اینجا پای ارزیابی از شخصیت و تعلقات سیاسی شما در میان نیست، نه مانند آنهایی که آنقدر با شما بیگانه اند که نمی‌دانند سرانجام فردی "واهب" است یا "وهاب" و فقط بدان دل خوش دارند که به دنبال شغال "هاشمیان" آنها هم زوزه ای سر کشیده اند، به ستایش شما دست می‌زنم و نه هم در اینجا به ارزیابی از شخصیت و کارکرد های سیاسی تان در دوران مزدوران روس می‌پردازم، بلکه مستقیماً شما را مخاطب قرار داده، می‌پرسم:

آیا به مثابه یک زن، حاضرید خلعتی از "ملا عمر" و یا یکی از چلی هایش دریافت دارید و یا خیر؟ فراموش نکنید وقتی "ملا عمر" و یا "طالب" می‌نویسم، می‌خواهم تجسم، ننگ، نفرت، زن ستیزی و عقب‌گرایی را در یک نام خلاصه نمایم. شما به یقین از کارنامه های زشت و میهن‌فروشانه "هاشمیان" اطلاع دارید و این را هم می‌دانید که از جمع تمام قلم به دستان کشور در خارج، بیگانه کسی که بدون الزام، به غرض بیعت به قندهار رفت و با بوسه بر بخشی از بدن وی- پائین ابرو و یا پائین ناف در اصل بوسه که همان بیعت به جهل، زن ستیزی، وطن‌فروشی و بیگانه پرستی است، تغییری به وجود نمی‌آورد-؛ سر در آستان جهل گذاشت.

اینک وقتی چنین شخصی که در طول سالیان متوالی همیشه هویت "طالبی" خود را آشکارا بیان داشته است وقتی می‌خواهد به شما نام، لقب و یا افتخاری ارزانی دارد، قبل از آن که دست تان را برای گرفتن آن مدال و یا کاغذ پاره دراز می‌کنید، لطف نموده آن دستانی را به خاطر بیاورید که بر پای های خواهرتان به جرم زن بودن، شلاق زده اند، آن لحظه ای را به یاد بیاورید که در استدیوم کابل با کلشینکوف بر مغز زنی فیر نموده اند، این را نیز به یاد داشته باشید که "هاشمیان" با استفاده ابزاری از شما می‌خواهد به جهانیان بگوید، که "طالب" زن ستیز نبوده، بلکه زن را محترم داشته است، چنانچه خودش به مثابه "طالب العلم" به زنها افتخار بخشیده است.

اگر چنین امری را خیانت به جنس زن نمی‌دانید، امیدوارم بگوئید پس چیست؟ فراموش نکنید پاسخ بدین سؤال، پای از یک مسأله فرهنگی فرا تر گذاشته، شخصیت سیاسی- اجتماعی و عملکرد شما را نیز در محراق بحث قرار خواهد داد.